**ضرورت توانمندسازی اخلاقی جامعه در دوران همه­گیری بیماری کرونا**

هاشم قربانی[[1]](#footnote-1)

**چکیده**

جامعه مطلوب در تمام ابعاد زیرساختی خود برنامه­ریزی بنیادین انجام می­دهد. وجود این زیرساخت­ها، هم در به­سازی ساحت­های مختلف آموزشی، اقتصادی، سیاسی، صنعتی و تولیدی، فرهنگی و ... نقش ایفا می­کند و هم در زمان بروز رخ­دادهای آسیب­زای فراگیر همچون بیماری کرونا، سیل، زلزله و ... جایگاه ممتازی در برون­رفت از مشکلات دارد. در این میان، توانمندسازی اخلاقی را به عنوان عالی­ترین بستر نرم­افزائی جامعه می­توان معرفی کرد. توان­مندسازی اخلاقی جامعه ـ خواه در بعد فردی، خواه بعد اجتماعی و خواه بعد سازمانی ـ هم در ایجاد روابط اخلاقی مطلوب در جامعه نقش مهمی ایفا می­کند و هم هنگام مواجهه با حوادث پیش­بینی­ناپذیر و اضطراریِ همه­گیر نظیر کرونا، و پدیده­هائی همچون سیل و زلزله به عنوان بستر ممتاز تلقی می­شود. ایجاد انگیزه­های اخلاقی در کنش­های اجتماعی، ارتقای مهرورزی، مسئولیت­پذیری و حرفه­ای­گری از مهمترین مولفه­هائی­اند که در این بستر اخلاقی حضور دارند. در این جستار، توانمندسازی اخلاقی را به عنوان یکی از مسائل ویژه مطالعات اخلاقی معرفی می­کنیم و به اجمال به برخی زمینه­های ساخت این توان­مندسازی از حیث اقتصادی، فرهنگی و آموزشی پرداختیم. این عوامل عمدتا عبارتند از: نقش­آفرینی وضعیت اقتصادی سلامت­محور در روابط اجتماعی، شفافیت روابط سازمانی، روابط خانوادگی بهنجار و تربیت، آموزش فراگیر و دقیق چگونگی کنش­گری اخلاقی، خودآگاهی و مراجعه به درون در فعال­سازی فراگیر اخلاقی زیستن و نیز گسترش فرهنگ مطالعه، تقویت باورهای دینی، قانون­گرائی، توسعه فرهنگی، و ... .

**کلیدواژگان:** توانمندسازی اخلاقی، کرونا، جامعه مطلوب

**طرح مساله**

روابط و مناسبات اخلاقی میان مردمان یک جامعه یک الزام ضروری در داشتن جامعه مطلوب است. تحقق این امر، نیازمند بسترسازی­های فرهنگی، آموزشی، اجتماعی، مدیریتی، اقتصادی و حتی سیاسی است. هر یک از این امور، در شکل­گیری روابط اخلاقی بسیار حائز اهمیت است. جامعه فارغ از اخلاق، یک جامعه فسرده است که در آن آشفتگی به سان یک ویژگی فراگیر قابل رصد خواهد بود. مرگ اخلاق، مرگ جامعه را در پی خواهد داشت؛ این امر بویژه در سطح سازمانها و سطوح مدیریتی اهمیت دوچندان دارد. پی­جوئی تحقق تمدن نوین اسلامی الزاما ابتنایافته بر داشتن جامعه مطلوب است. پروژه اخلاقی­سازی جامعه، هماره به عنوان یک اصل بنیادین در تحقق دادن به عالی­ترین روابط اجتماعی است. موثرات مختلف فرهنگی و دینی بسترهای مناسبی در این ساخت است. اما عوامل تهدیدگر اخلاقی­سازی جامعه طیف وسیعی دارد؛ از فشارهای اقتصادی و معیشتی گرفته تا سوء مدیریت و عدم حرفه­ای­گری و ... . اما فراتر از عوامل تهدیدگر اخلاقی، سوال از توان­مندسازی اخلاقی جامعه اهمیت وافری دارد. توان­مندسازی اخلاقی در پیشگیری و درمان بسیاری از گرفتاری­های اجتماعی جایگاه ممتازی را به خود اختصاص می­دهد. در این جستار، در پی خوانش و ایجاد این تلقی هستیم که توان­مندسازی اخلاقی جامعه، در ایجاد روابط اجتماعی مطلوب و نیز تحقق دادن به جامعه مطلوب نقش موثری دارد؛ وانگهی این توان­مندسازی، همچون واکسیناسیون بیماری­های همه­گیر، می­تواند ضمانتی برای جامعه در هنگام مواجهه با بلایای فراگیر همچون بیماری، سیل، زلزله و ... باشد. می­توان توانمندسازی اخلاقی را به سان بسترهای مورد نیاز جامعه دانست که هم از سوئی، کارآئی ویژه­ای دارند و هم در مواقع اضطراری الزاما درمان­گراند؛ به عنوان مثال، سدسازی هم در تولید انرژی موثر است و هم در زمان بروز بارش­های شدید، عامل مهم مهار سیلاب­های فراگیر است؛ یا همچون تقویت و راه­اندازی واحدهای موثر تولیدی در کشور که از سوئی در تحقق جامعه مطلوب از حیث اقتصادی موثر است و از دگر سو، در زمان تحریم­های همه­جانبه، بستر مناسبی برای استقلال اقتصادی کشور است. یکی از سوالات مهم در این جایگاه آن است که در مواقع ضرور، همچون دوره فراگیری بیماری کرونا در روزگار کنونی، اخلاق چه نقشی در به­سازی روابط اجتماعی و فردی می­تواند داشته باشد؟ آیا کنش­گری اخلاقی می­تواند در بهبود اوضاع و شرایط و نیز ضرورت پیش­گیری از همه­گیری این بیماری تکیه­گاه مهمی باشد؟ برای این اقدام چه باید کرد؟ آیا بسترسازی­های اخلاقی مناسبی در جامعه تحقق دارد؟ و آیا آموزش­های اخلاقی بسنده است؟ بنابراین نقش توانمندسازی اخلاقی در ایجاد روابط مطلوب بویژه در زمان اضطراری جای انکار ندارد؛ اما سازوکار دستیابی به توان­مندسازی اخلاقی چگونه است؟ این جستار، تنها به طرح این مساله و تخصیص توجه بدان می­پردازد و امید می­رود به عنوان یک مساله اخلاقی در میان مطالعات اخلاقی قرار گیرد.

**اخلاق و جامعه مطلوب**

جامعه مطلوب در سطوح مختلف خود بر اخلاقی­سازی استوار است. این امر بویژه خود را در دو ساحت مهم نشان می­دهد: سازمانها و روابط اجتماعی. اخلاقی­سازی سازمانها ارتباط وثیقی با حرفه­ای­گری و نهایتا توسعه و پیشرفت سازمان خواهد داشت. عوامل مختلفی در اخلاقی­سازی سازمان نقش دارند؛ شفافیت وظایف، تعیین دقیق جایگاه سازمانی افراد، نظارت­های سیستماتیک، هدف­گذاری دقیق، داشتن راهبردهای معین، وجود برنامه نظام­مند جامع، آشنائی نیروهای انسانی سازمان به وظایف حرفه­ای خود و پرهیز از زیاده­خواهی، شفافیت عملکردها، و ... بخشی از عوامل مهم در اخلاقی­سازی سازمان به شمار می­آید. مولفه­های اخلاقی­ یک سازمان، اموری اصالتا اخلاقی­اند که نهایتا هم منجر بر به­سازی روابط سازمانی می­شوند و هم توسعه سازمان را به دنبال خواهند داشت. شایسته­سالاری، مسئولیت­پذیری، پرهیز از رذایل اخلاقی نظیر سیاه­نمائی، کم­کاری، کم­فروشی، حسادت­ورزی، منفعت­طلبی، سودگروی­های ناانسانی، زیاده­خواهی، زیراب­زنی، و ... از مواردی­اند که در ترسیم اخلاقی­ بودن باید بدانها توجه شود. جایگاه تردید نیست که یک ضلع جامعه مطلوب، ناظر بر به­سازی کلیه سازمانهاست. سازمانهای اخلاقی لزوما در مطلوبیت یک جامعه نقش دارند و سازمانهای بیمار، در ایجاد تنش­های اجتماعی و آفت­سازی فرهنگی و نابود کردن سرمایه اجتماعی موثراند. در این جایگاه، می­توان علاوه بر سازمان در معنای مصطلح آن، بر کلیه مشاغل نیز اشاره کرد و نقش آنها را در ایجاد جامعه مطلوب برسنجید. به عنوان مثال، در مورد املاک­داران این سوال مطرح است که تا چه مقدار افزایش نرخ مسکن بر اساس قیمت­گذاری آنهاست؟ درآمدهای آنها چگونه است؟ آیا در تنش­زائی حوزه مسکن برنامه­ای جامع­ای در خصوص کوتاه نمودن دست دلالان و سوداگران وجود دارد؟ یک عامل مهم فرسایش اخلاقی جامعه، فشار ناشی از تامین مسکن برای اقشار مختلف است؛ سوداگرئی و منفعت­طلبی بیش از اندازه واسطه­گران در این فرسایش دخیل­اند و نمی­توان در اخلاقی­سازی جامعه نقش تخریب­گرانه آنها را نادیده گرفت.

روابط اجتماعی فراسازمانی اخلاقی نیز در تحقق جامعه مطلوب نقش حائز اهمیتی دارند. این روابط در تاروپود جامعه متحقق است و بر روابط اجتماعی و تولید سرمایه اجتماعی از پایئن­ترین سطح جامعه ناظر است. روابط اجتماعی مطلوب، اعتماد بینافردی را افزایش می­دهد و در نتیجه سازنده سرمایه اجتماعی مطلوب خواهد شد.

توانمندسازی اخلاقی در هر دو ساحت روابط اجتماعی و سازمانی و همچنین ارتقای توان اخلاق فردی، در هنگام رخ­داد مشکلات همه­گیر، می­تواند به تسریع به­سازی جامعه و برون­رفت از مشکل یاری رساند. بیماری کرونا یک نمونه از این معضلات همه­گیر است. آنچه در این مقاله در پی تحلیل آنیم، مساله توانمندسازی اخلاقی افراد و بررسی بسترها و سازوکارهای آن است؛ چونان که هنگام بروز مشکلاتی فراگیری نظیر بیماری کرونا، با طیب خاطر، از انگیزه­های اخلاقی گفت؛ زیرا بستر آن فراهم شده است؛ و کم­ترین آسیب از قِبل مشکل فراگیر، برای جامعه فراهم شود. از میان مولفه­های اخلاقی، می­توان به مسئولیت­پذیری اخلاقی و خیرخواهی اشاره کرد. حضور قوت­مندانه همین دو عامل اخلاقی در جامعه در دوره کرونائی، موجب کاهش آسیب­های ناشی از بیماری فراگیر خواهد شد.

**بسترسازی اخلاقی؛ ضرورتی انکارناشدنی**

مواجهه با امور خاص نظیر سیل و زلزله نیازمند بسترسازی پیشین است. عدم وجود بسترهای مناسب، در زمان حادثه، خسارات جبران­ناپذیری ایجاد خواهد نمود. نمونه این امر، وجود بسترهای ویژه آموزشی در زمان همه­گیری ویروس کرونا است. آموزش بویژه آموزش دانشگاهی در این دوران کرونائی، بواسطه بسترهای از پیش تعیین شده و فعال­سازی ظرفیت عظیم دانشگاهی در این خصوص بود. این بسترسازی در تمامی این موارد، راه نجات یک کشور در مواجهه با مخاطرات را تضمین می­کند. فقدان این بسترها، سقوط در سراشیبی خواهد بود. اما آنچه در این جایگاه در پی آنیم، بسترسازی اخلاقی جامعه است. بسترسازی اخلاقی، برخلاف موارد پیش گفته، تنها در حل مشکلات غیر مترقبه که در زمانی خاص رخ می­دهند نیست؛ از طرف دیگر، حالت انتظار نیز ندارد؛ بلکه کنشی فعال و پویاست و در تمامی رخ­دادهای اجتماعی و فردی و کلیه حالات مورد نیاز است.

بسترسازی اخلاقی، هماره در جامعه مورد نیاز است. از دگر سو، تنها به رفع بیماریهای اخلاقی نمی­پردازد؛ بلکه هم جنبه پیشگیری دارد و هم جنبه کنش­گری؛ جنبه کنش­گری آن ناظر بر عمق­بخشی به تعالیم اخلاقی و توسعه آن است. بنابراین بسترسازی اخلاقی تنها درمان نیست؛ بلکه تقویت و رشد اخلاقی نیز است. وجود بسترهای اخلاقی جامعه موجب می­شود افراد در جایگاه­های مختلف و موقعیت­های متنوع رفتارها و کنش­های اخلاقی انجام دهد. بسترهای اخلاقی جامعه نه تنها در ترمیم روابط روزانه میان مردمان نقش قابل توجهی دارد، بلکه هنگام بروز مشکلات فراگیر طبیعی و غیر طبیعی، نظیر سیل، زلزله، تصادف، و بیماری می­تواند به ظرفیت عظیم در جهت برون­رفت از این مشکلات یاری رساند. نمونه­های متعددی از فعالیت­های خیرخواهانه تشکل­های مردم­نهاد در دستگیری از مستمندان شاهد این امر است. بسترهای اخلاقی جامعه به تولید هم­یاری افراد در حل مشکلات یاری می­رساند. غنای عظیم این ظرفیت، موجب سلامت اجتماعی و کنش­گری فعالانه می­شود.

فقدان بسترهای اخلاقی نه تنها در مواقع ضروری و بروز حوادث منجر بر رفع آنها در نگاه­داشت زمان نمی­شود بلکه خود مانع دستیابی جامعه به اهداف والای خود می­شود. این فقدان، نفس اجتماعی را به شماره می­اندازد و توسعه را با رخوت و تعلیق مواجهه می­سازد. بسترهای اخلاقی در مواقع اضطرار، نقش فوق­العاده­ای در ترمیم وضعیت بوجود آمده خواهد داشت. به عنوان مثال، رفتاهاری خیرخواهانه مردم در مواجهه با بیماری کرونا مورد واکاوی قرار گرفته شده است(ر.ک: مرادی و محمدی­فر، 1399). داشتن پیشینه نگاه­های خیرخواهانه و نیز مسئولیت­پذیری پایدار و درونی­شده، در دوره کرونا، مشکل انتقال ویروس از طریق ارتباط­های انسانی و حضور در اجتماع را کاهش می­دهد.

بسترسازی اخلاقی در تقویت عملکردهای اخلاقی و نهایتا رشد اخلاقی یاری­رس است. درونی­سازی مفاهیمی نظیر نیک­خواهی و نیکوکاری، هم­دلی، مسئولیت­پذیری و مهرورزی و ... می­تواند بر به­سازی روابط اجتماعی تاثیرگذار باشد. از دگر سو، مفاهیم ناظر بر عمل اخلاقی یکدیگر را ارتقا و تقویت می­کنند. برخی معتقدند ریشه بسیاری از رفتارهای نوع­دوستانه، هم­دلی است. هم­دلی در ایجاد رابطه عذرخواهی ـ گذشت وساطت می­کند. و مداخلات مربوط به عفو مبتنی بر هم­دلی بیشتر از مداخلات غیر مبتنی بر هم­دلی به عفو و گذشت می­انجامد. هر قدر هم­دلی بیشتر باشد، عفو و گذشت نیز موفقیت­آمیزتر خواهد بود. وجود خصیصه گذشت و فضائل مبتنی بر صمیمت در افراد همچون هم­دلی و تواضع، احتمالا با رفتارهای بین شخصی بهتر، و از این طریق با ازدواج­های رضایت­بخش­تر، زندگی خانوادگی بهتر، روابط اجتماعی گسترده و ارضاکننده­تر رابطه دارد. دین تعاملات اجتماعی و در نتیجه حمایت اجتماعی را به طور مستقیم افزایش می­دهد(ورثینگتون و بری، 1383: 267 و 267).

یک نکته مهم در بسترسازی اخلاقی، توجه به آموزش­های اخلاقی کارآمد و اثربخش است. آموزش اخلاقی جامعه در سطح فراگیر، بر کنش­گری مطلوب در جامعه و کاهش تنش­های اجتماعی و سازمانی تاثیرگذار است. آموزش­های اخلاقی در جامعه در قالب­های مختلفی متحقق می­شود؛ از آموزش­های مستقیم آکادمیک و مدرسه­ای گرفته تا تعلیم و تربیت دوران کودکی در خانواده و تربیت اخلاقی غیر مستقیم از طریق رسانه­های و سایر بسترهای اجتماعی. آموزش­های اخلاقی اگر صرفا به قصد انتقال برخی مفاهیم اخلاقی استوار باشد و دغدغه­ای از حیث ساخت انسان اخلاقی و جامعه اخلاقی نداشته باشد، نمی­تواند مدعای موفقیت را داشته باشد.

آموزش­های اخلاقی علاوه بر مشکل مقطعی و دستوری بودن، معضل بهره­گیری از شیوه مستقیم را دارند. این شیوه، صرفا در پی ارائه و انتقال مفاهیم اخلاقی است. با توجه به این شیوه، هدف تنها رفع تکلیف است و دغدغه­مندی خاصی در جهت اخلاقی­سازی جامعه وجود ندارد. ایجاد انگیزش­های اخلاقی با شیوه­های مستقیم به دشواری حاصل می­شود. کتابتی بودن و نیز فقدان انگیزه­بخشی اخلاقی کارآمد و اثربخش در آموزش­های اخلاقی مشاهده می­شود. در آموزش­های مستقیم، مخاطب درگیری عملی و مواجهه فعالانه با مسائل پیدا نمی­کند و اثربخشی آن به نحو چشم­گیری کاهش می­یابد. از دگر سو، شایسته است آموزش­های اخلاقی فراتر از صورت رسمی آن، از طرق مجراهای جذاب نظیر رسانه­ها و فضای مجازی مورد بازبینی قرار گیرد.

**توان­مندسازی اخلاقی؛ راهکاری ممتاز در برون­رفت از معضلات اجتماعی فراگیر**

گسترش ویروس کرونا در طی یکسال اخیر، بسیاری از معادلات جهانی از لحاظ اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و فرهنگی و حتی سیاسی را پیچیده­تر کرده است. تنش­های روان­شناختی حاصل از دگرگونی­های اجتماعی ناظر بر بیماری کرونا و اعمال محدودیت­های فراگیر، از مهمترین معضلات این دوره محسوب می­شود. در برخی موارد، این تنش­های روان­شناختی ناشی از محدودیتهای خانوادگی، اجتماعی و شغلی است. کرونا، بویژه در روابط اجتماعی آدمیان تاثیرگذار است. روابط اجتماعی خواه در سطح خُرد آن همچون مناسبات روزمره انسان­ها و انجام کارهای عادی، و خواه در سطح کلان آن همچون مناسبات سازمانی و حرفه­ای، فضای مجازی، رسانه­ها، روابط خانوادگی، برنامه­ریزی­های کلان جمعی، و دستورالعمل­های بهداشتی دچار دگرگونی شده است. شاید از این حیث، مناسبات جدیدی در دوران پساکرونائی حاکم شود؛ از کیفیت احوال­پرسی و روابط بیناخانوادگی و مراودات اجتماعی تا تصمیم­گیری­های کلان اجتماعی.

به طور کلی، چنین دگرگونی­هائی می­تواند بستر مناسبی برای بوجود آمدن معضلات جدید اجتماعی و روان­شناختی باشد. اما آنچه در این میان مهم است، آن است که چگونه می­توان تدبیری اندیشید که این معضلات را کنترل کرد؟ چگونه می­توان در مواجهه با چنین دشوارهائی ناخواسته­ای، توان اجتماعی را حفظ کرد و کمترین آسیب اجتماعی را در مناسبات یادشده مشاهده کرد؟ آیا اساسا در زمان رخ­داد بلایای فراگیر آمادگی اجتماعی غیر سخت­افزاری در جامعه مهیا شده است؟ یک بعد پاسخ به این سوال را در توان­مندسازی اخلاقی افراد در روابط اجتماعی می­توان ارائه داد. توان­مندسازی اخلاقی جامعه پتانسیل و ظرفیت فراگیری جهت به­سازی روابط اجتماعی در راستای تقویت و رشد افراد از حیث اجتماعی است به گونه­ای که در رخ­داد بلایای فراگیر، با کمترین معضلات اجتماعی مواجه باشیم.

توان­مندسازی اخلاقی ناظر به ارتقای شخصیت اخلاقی افراد در زندگی است به نحوی که فرد، آگاهانه در پی تصمیم­سازی­های اخلاقی و ارتقای پیوند اجتماعی باشد. این امر، ظرفیت درونی افراد را ارتقا می­بخشد و موجب می­شود کنش­گری اخلاقی در جامعه تقویت گردد. انگیزه­بخشی اخلاقی می­تواند به عنوان بخشی از پروژه توان­مندسازی اخلاقی قرار گرفته شود.

عوامل مختلفی در توانمندسازی اخلاقی نقش دارند؛ از مهمترین آنها می­توان بدین موارد اشاره کرد:

**1. نقش­آفرینی وضعیت اقتصادی سلامت­محور در روابط اجتماعی**. معضلات اقتصادی حاکم بر جامعه می­تواند به گسست پیوندهای اخلاقی در روابط اجتماعی که در یک فرآیند ایجاد شده است، بیانجامد. حالت آرمانی اخلاق برای اخلاق در بخش کمتری از افراد جامعه در مواجهه با مشکلات بحرانی طراحی می­شود. این امر که اخلاقی زیستن باید به گونه­ای باشد که تکانه­های سیاسی و اقتصادی و معضلات زندگی، آن را دچار دگردگونی و اضمحلال نکند، توصیه­ای آرمانی، مطلوب و هدف بنیادین است. اما شوربختانه آمارهای کلی در حوزه بزه­کاری اجتماعی و نیز مشاهده رفتارهای نامطلوب اجتماعی در مواقع بروز فشارهای اقتصادی کمتر از چنین توصیه­ای پشتیبانی می­کند. از این جهت می­توان ادعا کرد یکی از عامل­های مهم توانمندسازی اخلاقی جامعه، ترمیم وضعیت اقتصادی جامعه است.

اما در عین حال، این خود، می­تواند مورد سوال باشد. توانمندی اخلاقی افراد و جامعه باید به گونه­ای باشد که در مواقع اضطراری به صورت آگاهانه از رخ­داد کنش­های غیر اخلاقی پیش­گیری کند. بنابراین چگونه می­توان این اصل را در خصوص توانمندسازی اخلاقی به کار گرفت؟ یک پاسخ بدین سوال، عملکردهای مسئولان در حوزه مسائل مالی و اقتصادی و همچنین وضعیت نظام اقتصادی و مالی کشور است. اگر سیستم اقتصادی و نظارتی کشور، چونان باشد که به رصد و پایش فعالیت­های اقتصادی بپردازد و نوعا از بروز معضلات اقتصادی نظیر احتکار، اختلاس، گران­فروشی، کم­فروشی، کم­کاری و ... پیش­گیری نماید، اعتماد اجتماعی تقویت می­شود و ارتقای اعتماد اجتماعی در خصوص مسائل اقتصادی، انگاره فرافکنی و همانندسازی ذهنی افراد با مسئولان در خصوص توجیه عملکردهای خود را خنثی می­کند. به دیگر بیان، این انگاره که در جامعه، افراد از هر طریقی به دنبال منفعت و سود خوداند پس من نیز هم!، اساسا طراحی نخواهد شد. اما در صورتی که مردمان جامعه شاهد افول نظام اقتصادی و نظارتی کشور باشند و نیز شاهد اختلاس­های پی­در پی، تکراری و کلان باشند، و از طرف دیگر مواجهه­های قانونی سخت­گیرانه و بازدارنده در این میان کاهش پیدا کند در این صورت همان انگاره «پس من نیز هم!» ایجاد و تقویت خواهد شد. این انگاره در ایجاد روابط غیر اخلاقی بسیار تاثیرگذار خواهد بود.

مثال­های مختلفی می­توان در این خصوص ارائه کرد؛ از اختلاس­های چند سال اخیر کشور تا رانت­های بوجود آمده و حتی پدیده­هائی همچون کوه­خواری­ها و جنگل­خواری­ها و حتی دریاخواری و پدیده نوظهور آقازاده­ها در دو دهه اخیر! در این میان، در تشدید اوضاع نقش برخی سازمان­های غیر مردم­نهاد بسیار پر رنگ­تر می­شود؛ نظیر دلال­ها و واسطه­ها! دلال­گری در همه جایگاه­ها خطرآفرین است؛ خواه در تامین نهاده­های اولیه باشد و خواه در عادی­ترین لوازم زندگی نظیر مرغ و تخم مرغ و میوه! شوربختانه در برخی برهه­های اخیر همین مثال­های ساده، تبدیل به معضل اجتماعی شده است و بواسطه آن، کنش­های غیر اخلاقی در روابط اجتماعی ایجاد گشته است. تاثیر دلالی و واسطه­گری حتی در حوزه­های کلان اجتماعی نظیر مسکن بسیار وخیم­تر خود را نشان می­دهد؛ نقش املاک­داران شهرها در تغییر قیمت­ها و بالا بردن نرخ مسکن قابل انکار نیست؛ به نحوی که در بسیاری مواقع انسانیت را در پیشگاه سود خودشان قربانی و لگدمال می­نمایند! هرچند اقدامات اخیر قوه قضائیه در پی­جوئی مصرانه اختلاس­های کلان قابل ستایش است، اما شوربختانه در حوزه واسطه­گری و دلالی نیازهای بنیادین زندگی افراد نظیر مسکن و حتی نیازهای معیشتی عادی، اقدامات جدی و بازدارنده به گونه­ای که منجر به ایجاد ثبات شود، انجام نشده است.

حضور مداوم این معضلات اقتصادی بر ذائقه اخلاقی در روابط اجتماعی تاثیرگذاراند. بنابراین یک بعد توانمندسازی اخلاقی جامعه بر بهبود و به­سازی روابط اقتصادی ناظر است؛ ایجاد یک سیستم اقتصادی قدرتمند در جامعه به نحوه­ای که هم سازوکارهای اقتصادی و مساله تولید را تحت پوشش خویش درآورد و هم بازدارندگی قوی نسبت به خیال­پردازی­های سوداگرونه داشته باشد منجر به ارتقای اخلاقی­گری در جامعه خواهد شد.

**2. شفافیت روابط سازمانی گامی اساسی در توانمندسازی اخلاقی درون­سازمانی.** همواره شفافیت روابط سازمانی معجزه­گر است. شفافیت از بروز بسیاری از آفات اخلاقی در سازمان پیش­گیری می­کند و با ایجاد آن، می­توان توان اخلاقی اعضای سازمان را ارتقا بخشید. تصمیم­گیری­های درون­سازمانی برای اعضا توسط مدیران در صورتی که با ابهام و عدم شفافیت کافی همراه باشد، تنش­های درون سازمانی را بالا خواهد برد. مشارکت حداکثری اعضا در تصمیم­گیری­ها و نیز ایجاد سازوکارهای نحوه ارائه دیدگاه­ها و عملیاتی­سازهای آنها و همچنین تعیین دقیق جایگاه سازمانی اعضا در ساخت این شفافیت حائز اهمیت است. در زمان بیماری کرونا، تصمیم­گیری­های سازمانی و نیز رفتارهای اعضا بسیار مهم است. شفافیت این امکان را فراهم می­سازد که اعضا در زمان رخ­داد بیماری فراگیر یا هر مشکل سازمانی، بر وظایف حرفه­ای و اخلاقی خود پایبند باشند و در قبال سازمان خود را متعهد بدانند. شفافیت در عرصه مدیریت یک سازمان، توسعه فراگیر آن را در پی خواهد داشت؛ زیرا «بسیاری از معضلات اخلاقی در موسسات به مسائل اجرائی و مدیریتی اختصاص دارد»(اسلامی و همکاران، 1388: 111).

**3. روابط خانوادگی بهنجار و تربیت.** جای تردید نیست روابط خانوادگی مطلوب، اساس ساخت جامعه مطلوب است. خانواده­محوری، غربال­کننده رفتارهای افراد در جامعه است. ایجاد بستر مناسب برای ارتقای استعداد عقلانی، هنری، مدیریتی، و ... برای کودکان توسط والدین و نیز متعهدسازی کودکان در فرآیند جامعه­پذیری آنها نقش مهمی در روابط اجتماعی در دوره­های بعدی خواهد گذاشت. تغذیه عاطفتی و احساسی کودکان در خانواده از رخ­داد بسیاری از مشکلات اجتماعی و روان­شناختی پیش­گیری خواهد نمود. داشتن خانواده­ای که در آن هم­فکری و امکان گفتگوی متقابل بدون ایجاد تنش­های پایدار وجود داشته باشد، در زمان خانه­نشینی­های اجبارگونه­ای که بواسطه بیماری کرونا ایجاد شده است، اهمیت وافری دارد. لذت بردن از هم­دیگر و احساس آرامش در خانواده بسیار مهم است. اگر تاثیر محیط بر رفتارهای انسان تردیدناپذیر است(حجتی، 1385: 106) بدون تردید خانواده بخشی از محیط در معنای عام آن خواهد بود و کیفیت روابط خانوادگی در کیفیت رفتارهای افراد موثر خواهد بود. همچنین تربیت صحیح از همان دوران کودکی و خردسالی، فرد را در برابر بروز مشکلات زندگی مقاوم می­سازد. بنابراین خانواده بستر مهمی در توان­مندسازی اخلاقی افراد خواهد داشت؛ خانواده با ایجاد بنیان­های رفتاری در کودکان و کیفیت ارضای عواطف و احساسات و نحوه مسئولیت­پذیرسازی آنها و همچنین فرهنگ­سازی مطلوب می­تواند در ارتقای توان منش اخلاقی تاثیر بسیاری داشته باشد. تربیت در ابعاد مختلف آن همچون تربیت فرهنگی، تربیت ایمانی و دینی، تربیت اجتماعی، تربیت اخلاقی و بویژه تربیت جنسی در ایجاد شخصیت سالم و بهنجار تاثیرگذار است. این گونه­ها، در تمام ادوار زندگی انسان متحقق­اند؛ به عنوان مثال، شیوه­های آموزش و تربیت جنسی از دوران کودکی و دوره ازدواج و پس از آن با روش­های مستقیم و غیر مستقیم قابل پی­جوئی است(ر.ک: فقیهی، 1392). همچنین استراتژی اتخاذ شده در این گونه تربیتها اهمیت دارد. به عنوان مثال، اگر تربیت دینی بر تقوای پرهیز استوار باشد، نوعی تربیت قرنطینه­ای و گل­خانه­ای خواهد یافت که بر اساس آن حفظ افرادتنها با قرار گرفتن در محدوده­ای جدا و دور از شرایط میسر است. عمل به این تقوا در عصر حاضر که ارتباطات روزبه روز گسترده­تر می­شوند، اساسا در برخی قلمروها غیر ممکن است. زیرا فضاهای مخربی که در جامعه یا درون خانه از طریق ماهواره و اینترنت بر ما تحمیل می­شود پیشاپیش امکان پرهیز را از ما می­ستاند. تربیت دینی باید بر اساس مولفه تقوای حضور باشد و از این رهگذر است که می­توان به نظارت درونی ریشه­دار دست یافت. در تقوای حضور، فرد ضمن اینکه در جامعه و در معرض انواع آلودگی­ها قرار دارد، خود را در مرتبه­ای فراتر می­یابد که می­تواند در مقابل انحرافات مصونیت داشته باشد(همان: 396).

**4. آموزش فراگیر و دقیق چگونگی کنش­گری اخلاقی.** آموزش بنیادین اخلاقی زیستن در سطوح مختلف در توان­مندسازی افراد اهمیت فراوانی دارد. بخشی از این آموزش­ها، در قالب نهادهای رسمی آموزشی همچون مهدهای کودک، مدرسه­ها و دانشگاه­ها و نیز دوره­های تخصصی و کارگاه­های ضمن خدمت متحقق می­شود. در هر یک از این نهادها، شیوه­های آموزشی، استراتژی­ها و تاکتیک­ها متفاوت است. اما اتخاذ روشی کارآمد و به دور از تحجرزدگی به نحوی که در افراد انگیزه­های اخلاقی زیستن ایجاد نماید، دارای اهمیت خواهد بود. آموزش به صرف آموختن بدون دغدغه اخلاقی­سازی به دور از اهداف توان­مندسازی اخلاقی خواهد بود. بخش دیگر از آموزش اخلاقی، می­تواند از طرق مختلف همچون رسانه­ها، رمان­ها، فضای مجازی، تبلیغات و حتی برجسته­سازی الگوهای اخلاقی نمونه تحقق یابد. توجه به ابعاد روان­شناختی در آموزش­های اخلاقی، ظرفیت درونی افراد را در مواجهه با موقعیت­های پدید آمده در زندگی خود افزایش خواهد داد. از دگر سو، آموزش­هائی که نهایتا منجر به ارتقای روابط اخلاقی افراد خواهد شد، در فرآیند توان­مندسازی افراد نقش مهمی ایفا خواهد کرد؛ به عنوان مثال، آموزش دادن لذت بردن از دارائی­ها و داشته­ها و شاد بودن با آنها می­تواند از ایجاد فضای افسردگی­زا و نیز رخ­داد آسیب­های اخلاقی نظیر حسادت­ورزی و طمع­ورزی پیش­گیری نماید.

 آموزش می­تواند با جهت­گیری کارآمدی و اثربخشی و در جهت ایجاد توازن اجتماعی در راستای اخلاق­مداری متحقق شود. در این آموزش، توانائی ارتباطی افراد حائز اهمیت است. اگر انسان برای ارائه پاسخ­های کارآمدتر و عالی­تر آموزش ندیده باشد، پاسخ­های فطری و غریزی او اولین انتخاب وی برای مقابله با مشکلات خواهد بود. تجربه­های هیجانی منفی حالت­هائی­اند که به فرد علامت می­دهند باید برای پیشگیری و یا حل مشکلات دست به عملی متناسب بزند. این هیجانها، فردی را که به روش­های موثر گفتگو مجهز است را وامی­دارد تا با استفاده از گفتگو مشکل خود را به نحو سازنده­ای حل کند(قربانی، 1390: 27).

**5.** **خودآگاهی و مراجعه به درون در فعال­سازی فراگیر اخلاقی زیستن.** جای تردید نیست که انسان موجودی آگاه­مند است و کنش­گرهای او در بسیاری از مواقع، با آگاهی و ابعاد مختلف آن همراه است. خودآگاهی می­تواند شامل توانمندی عقلانی و معرفتی، شناخت احساسات و عواطف و توان روان­شناختی و توجه به واقعیت­های بنیادین و تاثیر آنها در ساخت درون، و ... باشد. تاثیر هر یک از این ابعاد در رفتارهای انسان جای تردید ندارد. به عنوان نمونه، اندیشمندان فلسفی، از تاثیر حکمت نظری بر حکمت عملی گفته­اند؛ حکمت عملی انسان از حکمت نظری و عقل او سرچشمه می­گیرد(حائری یزدی، 1384: 114). طرح این سوال که این رفتارهای من تا چه حدی می­تواند به دیگران و خودم آسیب برساند، می­تواند در ایجاد فضای اخلاقی در روابط اجتماعی تاثیرگذار باشد. برخی گفته­اند انسان موجودی پرسنده و مساله­مدار است(علیپور و قربانی­قمی، 1399: 189)؛ طبیعتا این پرسندگی بر ارتقای خودآگاهی و جایگاه خویش یاری خواهد رساند. خودآگاهی و توجه به جایگاه خود در جامعه از بروز آسیب­های اخلاقی پیش­گیری خواهد نمود. آگاهی از این مساله که «من انسان­ام» و دیگران نیز چنین­­اند؛ و شایسته است متناسب با جایگاه انسانی خودم رفتار نمایم و هیچ عاملی همچون سود و منفعت نباید مقدم بر انسانیت باشد، نقش اعجازگونه­ای در ارتقای توان اخلاقی در روابط اجتماعی خواهد داشت. علاوه بر داشتن این آگاهی، مجهز بودن فرد به مهارت­های خودمراقبتی و مدیریت بر خود در توامندسازی اخلاقی اهمیت خواهد داشت. در شناسائی مهارت­های اساسی در مدیریت، در کنار خودآگاهی، مدیریت استرس و مساله­گشائی خلاقانه، به مهارت­های ارتباطی به عنوان یکی از چهار صورت اصلی مدیریت اشاره شده است(قربانی، 1390: 29).

خودآگاهی و توجه به ابعاد مختلف آن، می­تواند به تهذیب نفس منجر شود. از دگر سو، روح مهذب و نفس مزکّی آن قدرت را دارد که کمبودها را ترمیم نماید. اگر روح تهذیب نشود، نه تنها انسان از امکانات بهره خوبی نمی­برد، بلکه ممکن است امکانات بیشتر نتیجه سوء بیشتری را به دنبال داشته باشد. انسان مهذب جهان را پاکیزه نگه می­دارد و انسان آلوده آن را آلوده می­کند(جوادی آملی، 1388: 143).

عوامل دیگر نظیر گسترش فرهنگ مطالعه، تقویت باورهای دینی، قانون­گرائی، توسعه فرهنگی، و ... در توان­مندسازی اخلاقی افراد اهمیت دارد.

**منابع**

* اسلامی، محمدتقی و همکاران(1388)، اخلاق کاربردی(چالش­ها و کاوش­های نوین در اخلاق عملی)، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
* جوادی آملی، عبدالله(1388)، مبادی اخلاق در قرآن، چاپ هفتم، قم: انتشارات اسراء.
* حائری یزدی، مهدی(1384)، کاوش­های عقل عملی، چاپ دوم، تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
* حجتی، محمدباقر(1385)، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ بیست و یکم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
* علیپور، ابراهیم و اکرم قربانی قمی(1399)، خیزش تفکر الهیاتی ـ فلسفی در بحران کرونا، مجله قبسات، سال بیست و پنجم، شماره نود و ششم، صص 209 ـ 181.
* قربانی، نیما(1390)، سبک­ها و مهارت­های ارتباطی، چاپ دوم، تهران: نشر بینش نو.
* مرادی، علی و نجابت محمدی­فر(1399)، بررسی تاثیر ارزش­های اخلاقی بر تمایل مردم به رفتارهای خیرخواهانه در بستر ویروس کرونا، مجله اسلام و مطالعات اجتماعی، سال هشتم، شماره سوم، صص 182 ـ 150.
* ورثینگتون، اورت.ال و جک بری(1383)، مقاله کینه­توزی، گذشت، دین و سلامتی، ترجمه مجتبی حیدری، مجله نقد و نظر، سال نهم، شماره اول، صص 292 ـ 248.
1. . عضو هیات علمی دانشگاه بین المللی امام خمینی ره، ایمیل: qorbani@ISR.ikiu.ac.ir [↑](#footnote-ref-1)